## جلسه 80-938

**دو‌شنبه - 07/12/1402**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به تقیه مداراتیه بود که ما عرض کردیم در روایات چیزی راجع به تقیه مداراتیه که انسان بخاطر آن ترک واجب یا مرتکب حرام بشود بخاطر رعایت وحدت کلمه بین مسلمین، ‌نداریم و لذا عرض کردیم آن‌چه امام در الرسائل جلد 2 صفحه 196 به عنوان مثال برای تقیه مداراتیه ذکر کردند که الافطار لدی السقوط، افطار صوم هنگام غروب آفتاب، درست نیست، از باب تقیه مداراتیه ما حتی ایشان می‌‌فرماید می‌‌توانیم برویم مجلس افطار این‌ها و هنگام غروب آفتاب افطار کنیم، ‌هیچ اجباری هم نیست که برویم و آن‌جا هم هیچ اجباری نیست که افطار کنیم اما از باب تقیه مداراتیه و مجامله می‌‌نشینیم و افطار می‌‌کنیم، ایشان فرمودند که این اشکالی ندارد.

البته مقصود ایشان عرض کردیم بعید است که این باشد که بخاطر تقیه مداراتیه می‌‌شود ترک واجبات کرد مرتکب محرمات شد. ضمنا مقصود ایشان اگر هم تجویز ارتکاب محرمات باشد که در تقیه خوفیه قطعا این هست، تجویز ارتکاب محرمات مهمه نیست، خود ایشان در صفحه 177 فرموده بخاطر تقیه نمی‌شود محرماتی که در نظر شارع و مؤمنین در غایت اهمیت است مرتکب شد. بعید نیست مقصود ایشان باشد که اتیان واجبات و مستحبات در محضر عامه اشکال ندارد و لو اخلال به شرط آن بشود و لذا ممکن است بگوییم این نقض هم به ایشان وارد نیست که ما می‌‌گفتیم خرچنگ گذاشتند در سفره بخورد، نه، صوم یک واجبی است، کیفیتش این است تا اذان مغرب صبر کنیم، عامه صبر نمی‌کنند، ‌تا غروب آفتاب شد افطار می‌‌کنند، ‌ایشان این موارد را ظاهرا می‌‌گویند اشکالی ندارد همراهی کنیم با عامه چون در صفحه 195 تمسک می‌‌کنند به روایت هشام کندی بعد می‌‌گویند الظاهر منها الترغیب علی العمل وفق آراءهم و اتیان الصلاة فی عشائرهم و کذا سائر الخیرات مع ان الاتیان بالصلاة فی عشائرهم و بمحضر منهم مسلتزم لترک بعض الاجزاء و الشرائط و فعل الموانع، ‌و همین‌طور هم تمسک می‌‌کنند به آن روایت ابی بصیر: خالطوهم بالبرانیة و خالفوهم بالجوانیة اذا کان الإمرة صبیانیة می‌‌گویند مخالطه به برانیه همین است که ما اعمال‌مان را بر اساس تقیه با این‌ها و لو تقیه مداراتیه انجام بدهیم، ‌یعنی واجبات و مستحبات را به کیفیتی که این‌ها قبول دارند انجام بدهیم. البته روایت ابی بصیر که ضعیف السند است راوی‌اش محمد بن جمهور است که نجاشی می‌‌گوید ضعیف فی الحدیث فاسد المذهب و قیل فیه اشیاء الله اعلم بها من عظمها، و یا شیخ طوسی می‌‌گوید غال، محمد بن جمهور غالٍ.

پس تخفیف پیدا کرد اشکال، ایشان در اتیان واجبات و مستحبات می‌‌گویند از باب تقیه مداراتیه می‌‌توانیم به کیفیتی که عامه می‌‌گویند عمل کنیم، دیگر نقض ما به این‌که خرچنگ بخوریم همراه آن‌ها یا شرب نبیذ مسکر بکنیم همراه آن‌ها این نقض وارد نیست.

اما ما به همین مقدار هم ایراد داریم، ‌کدام روایت گفته که از باب تقیه مداراتیه می‌‌توانید ترک بکنید اجزاء و شرایط واجبات را؟ کدام روایت؟ آن روایاتی که ما دیدیم یا عنوان تقیه در آن هست مثل صحیحه ابی الصباح کنانی یا موثقه مسعده که عرض کردیم ظاهر تقیه، ‌تقیه خوفیه است چون تقیه از وقایه از شر می‌‌آید که در تقیه مداراتیه وقایه از شر مطرح نیست، و برخی از این‌ها هم راجع به ترغیب به نماز در مساجد و عشائر این‌ها هست و شرکت در نماز جماعت این‌ها هست، بر فرض هم این دسته اطلاق داشته باشد نسبت به زمان ما مخصوص نماز است چه کار دارد به روزه؟

راجع به همین روایات نماز ما دو تا عرض داریم:

یک: این روایات مشتمل هستند به ضمیر یا مانند آن‌که ممکن است رجوع کند به آن ائمه جماعتی که در آن زمان بودند که مصداق تقیه خوفیه بود اگر با آن‌ها همراهی نمی‌کردیم، مراد از تقیه خوفیه هم تقیه خوفیه نوعیه است، حالا امشب نرویم نماز چیزی نمی‌شود اما در کل تقیه خوفیه نوعیه است. مثلا صحیحه حماد: من صلی معهم فی الصف الاول کان کمن صلی خلف رسول الله فی الصف الاول، وسائل جلد 8 صفحه 299، من صلی معهم به کی بر می‌‌گردد؟ مع مطلق العامة؟ شاید من صلی معهم مشیر است به همین کسانی که در آن زمان حاکم بودند و یا منسوب از قبل حکام بودند.

[سؤال: ... جواب:] من صلی معهم یعنی من صلی خلفهم. ... حالا اختلاف است برخی می‌‌گویند نماز جماعت بخواند پشت سر این‌ها، ما وفاقا للسید الخوئی و السید السیستانی و الشیخ الاستاذ می‌‌گوییم جماعت صوریه برگزار کند پشت سر این‌ها ، حمد و سوره را هم و لو اخفاتا خودش بخواند، اما بالاخره این یک نوع تقیه است، حمد و سوره‌ای را که باید در نماز مغرب و عشاء و صبح جهرا بخوانیم این‌جا می‌‌توانیم اخفاتا بخوانیم اگر اخفاتا هم خلاف تقیه است حدیث نفس می‌‌کنیم، روایت داریم، ‌بهرحال تقیه است، اما کی می‌‌گوید ضمیر بر می‌‌گردد به مطلق عامه که شامل زمان ما هم بشود؟ می‌‌خواهد ترغیب کند خیلی ثواب دارد مشارکت در نماز جماعت این‌ها، چون یک عده شیعیانی بودند سخت‌گیر مثل زراره می‌‌گفت عدو الله اقتدی به؟ امام ترغیب می‌‌کنند می‌‌فرمایند من صلی معهم فی الصف الاول کان کمن صلی خلف رسول الله فی الصف الاول بعد هم به زراره می‌‌فرمودند زراره! حق با تو هست، من که نگفتم به این‌ها اقتدا کنید، جوری نشان بدهید به این‌ها که گویا به این‌ها اقتدا کردید، که بحثش در جای خودش هست اما مقصود این است که ضمیر شاید برگردد به آن حکامی و جانشیان حکامی که در آن زمان امام جماعت بودند و بهرحال زمان زمان تقیه خوفیه بود و لو تقیه خوفیه نوعیه.

[سؤال: ... جواب:] اقتدا می‌‌گفت نکنیم. ... حالا زراره در کوفه بود، کوفه اغلب شیعه بودند، بهرحال حالا برای نوع شیعه تقیه خوفیه بوده، احتمال این معنا که هست.

شواهد را عرض کنم:

صلی الحسن و الحسین علیهما السلام خلف مروان و نحن نصلی معهم، صحیحه علی بن جعفر. صلات امام حسن و امام حسین علیهما السلام خلف مروان‌ که حاکم مدینه بود، ‌بعد خلیفه شد، جز ناشی از تقیه خوفیه توجیه دیگری دارد، بالاخره تقیه خوفیه بوده. یا مثلا صحیحه حبیب خثعمی کافی جلد 2 صفحه 635، سمعت اباعبدالله علیه السلام یقول علیکم بالورع و الاجتهاد و اشهدوا الجنائز و عودوا المرضی و احذورا مع قومکم مساجدکم و احبوا للناس ما تحبون لانفسکم این هم خطاب به شیعیانی است که در زمان امام علیه السلام بودند و مبتلا بودند به تقیه خوفیه. و احذروا مع قومکم مساجدکم. ... خطاب به شیعیان در آن زمان بوده، مقام، مقام افتاء است، تقیه خوفیه نوعیه، تقیه خوفیه شخصیه من عرض نمی‌کنم، تقیه خوفیه نوعیه آن زمان بود الان نیست، الان تقیه خوفیه نوعیه نیست، به قول مرحوم آقای آسید سعید حکیم در مصباح المنهاج کتاب الطهارة جلد 2 صفحه 390 فرمودند ظاهر این ادله این است که شما با این کارتان جلب محبت آن‌ها را می‌‌کنید و الا اگر آن‌ها می‌‌دانند شما شیعه هستید، می‌‌دانند هم شیعه وضویشان فرق می‌‌کند نمازشان فرق می‌‌کند، کما هو الحال فی کثیر من البلاد فی زماننا لم تشرع التقیة، الان بروی بغداد در مسجد جامع ابی‌حنفیه نماز بخوانید پشت سر آن‌ها تکتف کنی امام می‌‌گوید و لا الضالین تو هم بلند مثل بقیه بگویی آمین، می‌‌گویند عجیب بازیگری است این، آن زمان شیعه بودنش را مخفی می‌‌کرد با این کار و یا این‌که شیعه اکثرا شناخته شده نبودند، زراره شناخته شده بود، خیلی‌ها می‌‌گفت عجب با ما نماز خواندی ما فکر می‌‌کردیم تو رافضی هستی، حالا فهمیدیم نه.

پس اولا، ‌مطلب اول این است که این روایات یا مشتمل بر ضمیر یا مشتمل بر خطاب است، احضروا مع قومکم فی مساجدکم و این اطلاق ندارد نسبت به زمان ما که تقیه خوفیه نوعیه نیست، مطلب دوم: از این روایات استفاده نمی‌شود که ما مستحب است در نزد این‌ها در مساجد این‌ها در بین این‌ها نماز بخوانیم و لو مستلزم ترک واجب یا ارتکاب حرام مثل موانع نماز باشد، چون این روایات دارد ترغیب می‌‌کند به افعال خیر، می‌‌خواهد بگوید جوری برخورد نکنید که این‌ها فکر کنند شیعه ملتزم به آداب شرعی نیستند، روایت خواندم برای‌تان، هم آن صحیحه هشام کندی بود کونوا لمن انقطعتم الیه زینا و لاتکونوا علیه شینا صلوا فی عشائرهم عودوا مرضاهم اشهدوا جنائزهم لایسبقونکم الی شیء من الخیر فانتم اولی به منهم، ایاکم ان تعملوا عملا یعیرونا به فان ولد السوء یعیر والده بعمله، یا روایت زید شحام که در کافی سندش صحیح است توصیه کرد شیعه آداب دینی را و حقوق اسلامی را حتی برای مخالفین رعایت کنند تا آن‌ها بگویند هذا ادب جعفر علیه السلام. در من لایحضره الفقیه سند ضعیف است ابی جمیله در سند است او نقل می‌‌کند از زید شحام که خالق الناس باخلاقهم صلوا فی مساجدهم عودوا مرضاهم اشهدوا جنائزهم ان استطعتم ان تکونوا الائمة و المؤذنین فافعلوا فانکم اذا فعلتم ذلک قالوا هؤلاء الجعفریة رحم الله جعفرا ما کان احسن ما یؤدب اصحابه.

[سؤال: ... جواب:] چه کسی می‌‌گوید اذان بدعی بگویید؟ شیعه‌ای که برود بگوید الصلاة خیر من النوم بعد می‌‌گویند عجب امام صادقی ما کان احسن ما یؤدب اصحابه اما اگر بگوید حی علی خیر العمل بگویند ما کان اسوء ما یؤدب اصحابه جعفر بن محمد چقدر بی‌ادب بار آورد اصحابش را که این‌ها می‌‌گویند حی علی خیر العمل نمی‌گویند الصلاة خیر من النوم، بعد امام صادق علیه السلام می‌‌فرماید الصلاة خیر من النوم بدعت است، این نیست.

حالا این روایت که سندش ضعیف است. بهرحال ما عرض‌مان این است: از این روایات این‌که امام فرمودند ما استفاده می‌‌کنیم تقیه مداراتیه را و لعل السر فیها صلاح حال المسلمین بوحدة کلمتهم لکیلا یصیروا اذلاء بین سائر الملل و تحت سلطة الکفار و سیطرة الاجانب، رسائل جلد 2 صفحه 200، بعد استشهاد می‌‌کنند به یک روایتی که خلاف نظر ایشان است، می‌‌گویند در کافی جلد 2 صفحه 218 دارد، ‌روایت عبدالله بن یعفور که سندش ضعیف است، دقت کنید، امام به چی استشهاد می‌‌کند برای این‌که تقیه مداراتیه برای وحدت کلمه مسلمین است تا در مقابل کفار ذلیل نشوند و تحت سیطره کفار قرار نگیرند، این روح انقلابی جای خودش محفوظ ولی استشهاد می‌‌کند ایشان به این روایت عبدالله بن یعفور که ربطی ندارد به این مطلب، روایت این است: اتقوا علی دینکم و احجبوه بالتقیة فانه لا ایمان لمن لا تقیة له انما انتم فی الناس کالنحل فی الطیر و لو ان الطیر یعلم ما فی اجواف النحل ما بقی منها شیء الا اکلته و لو ان الناس علموا ما فی اجوافکم انتم تحبوننا اهل البیت لأکلوکم بالسنتکم و لنحلولکم فی السر و العلانیة حضرت می‌‌فرماید اگر پرنده‌ها بدانند که در شکم زنبور عسل چی هست می‌‌بلعند او را، این مردم اگر بدانند در دل شما چی می‌‌گذرد نسبت به اولیائشان نابودتان می‌‌کنند، این مردم نه کفار، آخه این چه ربطی دارد به این‌که ما وحدت کلمه با سایر مسلمین داشته باشیم تا تحت سلطه کفار قرار نگیریم، حرف خوبی است ولی ربطی به این روایت ندارد که ایشان استشهاد می‌‌کنند به این روایت. این روایت که دارد می‌‌گوید تقیه خوفیه، این روایت می‌‌گوید اگر افکارتان را ابراز کنید به این مخالفین این‌ها نابودتان می‌‌کنند. تقیه خوفیه است چه ربطی دارد به حکمت تقیه مداراتیه آقا؟

بله ائمه توصیه کردند دشمنی نکنیم با افراد مخالفین، به آن‌ها محبت کنید، حقوق اسلامی آن‌ها را اداء‌ کنید، ولی همین امام که این مطالب را فرموده صریحا فرموده لعن این‌ها جایز است، غیبت این‌ها جایز است، لا اخوة بیننا و بینهم، صریحا در المکاسب المحرمة هست.

[سؤال: ... جواب:] کتاب چاپ کرده این‌ها را گفته، ظاهر نگفته؟ ... می‌‌دانست یا نمی‌دانست.

بحث در این است که اگر تقیه مداراتیه برای وحدت کلمه مسلمین است و وحدت کلمه مسلمین اصل است، بحث ایجاد جنگ طائفی نیست که هیچکس آن را قبول ندارد، بحث در رعایت حقوق انسانی و اسلامی مسلمین نیست، حقوق اسلامی مسلمین باید رعایت بشود، حقوق انسانی غیر مسلمین هم باید رعایت بشود، بحث در این است: اگر واقعا تقیه مداراتیه لوحدة کلمة المسلمین اصل است آخه این تقیه مداراتیه‌ای است که نظرتان است حالا اعلام کردید می‌‌گویید نمی‌دانستیم در سایت‌ها پخش می‌‌شود، ولی نظرتان ‌که این است: یجوز لعنهم و تجوز غیبتهم لا اخوة بیننا و بینهم، این‌که با تقیه مداراتیه به این معنایی که شما می‌‌گویید نمی‌سازد، بله رعایت حقوق انسانی همه انسان‌ها لازم است، رعایت حقوق اسلامی همه مسلمان‌ها لازم است، آن‌هایی که حق اسلامی است، تجهیز میت حق اسلامی است، عیادت مریض، تشییع جنازه، همه این‌ها سر جای خودش محفوظ، با آن نکته‌ای که در روایت نوفلی اگر مراجعه کردید عرض کردم خدمت‌تان‌ که فرمود بعضی‌ها می‌‌گویند معلوم می‌‌شود سکونی شیعه بوده بخاطر همین روایت که نقل می‌‌کند، در کافی هست، که می‌‌گوید امام صادق به من فرمود اگر حاضر شدی جنازه مخالف جلوتر از جنازه نروید چون مواجه می‌‌شوید با ملائکه عذاب که استقبال دارند می‌‌کنند این میت را بالوان العذاب، ما در عین حال حق اسلامی تشییع جنازه میت است، ‌عیادت مریض است همه این‌ها را رعایت می‌‌کنیم تا نشان بدهیم که شیعه یعنی چی، شیعه یعنی ملتزم به احکام دین، نماز بخوانید در بین آن‌ها نگویند این‌ها غلات هستند، غلات نماز نمی‌خواندند، شما نماز بخوانید، اما کجا دارد که نماز بخوانید مهر هم نگذارید؟ حالا جایی که تقیه خوفیه نیست چه اشکال دارد مهر بگذاریم حالا فوقش این است که خلاف سنت رایج بین این‌ها هست، یکی هم رد می‌‌شود چپ‌چپ نگاه می‌‌کند، بله یک وقت وهن شیعه است، ‌بحث دیگری است، وهن شیعه که چه کنیم؟ هر چی جواب می‌‌دهیم ما نسجد علی التراب و لانسجد للتراب، قبول نمی‌کنند، ‌خب چکار کنیم؟ و اگر یک شرایطی بود وهن شیعه بود ما ملتزم می‌‌شویم ترک بشود چون خود این می‌‌شود تقیه خوفیه، خوف بر مذهب داریم، اما اگر نه، صرفا تقیه مداراتیه است ما چیزی به نام تقیه مداراتیه‌ای که مستلزم ترک واجب و یا ارتکاب حرام باشد حتی در رابطه با این واجباتی که انجام می‌‌دهیم، نماز، ‌روزه، ما نداریم و لذا به نظر ما این مطالب که بزرگانی فرموده‌اند، اختصاص به امام هم ندارد، ما قبول نداریم.

[سؤال: ... جواب:] اگر شیعه را می‌‌شناسند، ‌این آقا شیعه است، خب فقه شیعه فقه جعفری دارد، آقا!‌ خود شماها اینقدر با هم اختلاف دارید، ‌مگر شعر زمخشری نیست که اگر من بگویم مالکی هستم می‌‌گویند تو چه جوری است اگر من بگویم حنفی هستم می‌‌گویند تجوّز کذا، اگر بگویم شافعی هستم می‌‌گویند این‌طور، شعر معروف است، در آخر کشاف زمخشری چاپ‌های قدیم بود[[1]](#footnote-1). به قول آن شخص بزرگ شیخ محمود شلتوت گفت مگر خدا متعین کرده حتما ما تابع فقه مالک و شافعی و ابوحنیفه و احمد بن حنبل باشیم، تابع فقه امام صادقیم، فرض این است می‌‌دانند شما شیعه‌اید، آقا!‌ می‌‌دانند شیعه‌ای اگر بگویید اشهد ان علیا ولی الله این خلاف تقیه است؟ شما شیعه هستید. به قول این امیر سابق قطر یکی از تجار معروف قطر گفت ممنوع کرده بودند عزاداری و این‌ها را، ‌رفتم پیشش گفت این حرف‌ها چیه، اگر شیعه عزاداری نکند که دیگر شیعه نیست، شیعه یعنی عزاداری، حالا سیاسی‌کاری می‌‌کرد یا واقعا عقیده‌اش را می‌‌گفت، ‌گفت شیعه یعنی همین، اگر بدانند شیعه هستی شیعه یعنی همین. آخه شیعه چه جوری شیعه شده؟ اگر آن دو نفر را قبول داشته باشد که دیگر شیعه نیست.

ببینید ما عرض‌مان ین است: هیچ دلیلی بر تقیه مداراتیه‌ای که مستلزم ترک واجب یا ارتکاب حرام حتی در رابطه با نماز باشد نداریم این‌که آقای خوئی می‌‌فرمایند متعارف این است که نماز که می‌‌خوانیم در بین آن‌ها سجده بر فرش بکنیم، نه آقا، آن زمان این‌طور نبوده، یا لااقل آن زمان ثابت نیست این‌طور بوده، زمین خالی بود، ایرانی‌ها مظهر تجمل هستند، از درب ورودی خانه فرش می‌‌کنند تا انتهای خانه، آن بیچاره‌ها فرش زواردرفته‌ای می‌‌انداختند منتها به خورد و خوراک‌شان و بقیه مسایل اهمیت می‌‌دادند، سنگ‌فرش است می‌‌رود روی آن سجده می‌‌کند، یک سری چیزهایشان اصلا حصیر بود، بوریا بود، هست در روایات ما، الحصر و البواری، دلالت اقتضا باید بشود که بگوییم صلوا فی عشائرهم همان و لزوم سجود بر فرش همان، نه. اصلا حتی شما همان خمره که یک حصیری بود که می‌‌بافتند در جیبت بگذاری بگذاری آن‌جا سجده کنی روی همان حصیر، فرض این است که شما شیعه هستی می‌‌داند شما شیعه هستی کی می‌‌گوید این مقدار تحمل را ندارد؟ بله الان در عربستان حالا دارد الحمدلله حاکمی آمده که موجب نعمت بر شیعه است آن جور حاکم‌ها که آن تعصب‌های مذهبی‌شان دارد کم می‌‌شود ولی قبلا این‌طور نبود، ‌این مامورین امر به معروف و نهی از منکر پخش بودند در مسجدالحرام و مسجدالنبی، به این سادگی مگر می‌‌شد مهر بگذاری، حتی حصیر هم می‌‌گذاشتی می‌‌آمدند گیر می‌‌دادند، الان این‌طور نیست، شاید در آن زمان هم سخت‌گیری نبوده، ‌این‌ها طرف‌داران ابن تیمیه هستند، شرک می‌‌دانند این‌ها را، ‌آن موقع که این‌جور نبود، اهمیت نمی‌دانند.

[سؤال: ... جواب:] اگر بخواهید اهمیت بدهید بگویید حتما باید مهر باشد ممکن است بفهمند تو شیعه هستی به شما گیر بدهند اما اگر نه، حالا در جیبت یک خمره‌ای هم هست می‌‌گذاری، خمره یعنی همان حصیر، می‌‌گذاری سجده می‌‌کنی شاید می‌‌گویند از باب نظافت نمی‌خواهد پیشانی‌اش به جایی که پای مردم رفته بکند، حساس نبودند، الان حساس هستند الان می‌‌گویند شرک. ... ذکر علی و فاطمه همراه با بدگویی از مخالفین و الا خود آن‌ها همه‌اش می‌‌گویند عن علی کرم الله وجهه. ... یعنی ما از آن‌ها هم بدتر بشویم؟ یعنی آن‌ها حق دارند نام علی را ببرند من حق ندارم؟ یک روایتی پیدا کردید ایاکم و ذکر علی، حالا سندش چه جور است، او نمی‌گوید نام علی را نیاورید، او می‌‌گوید بیش از حد گیر ندهید آن‌ها حساس می‌‌شوند و الا خود آن‌ها کتاب هایشان پر است عن علی کرم الله وجهه یعنی خودش بگوید عیب ندارد آن وقت می‌‌گوید خوب است الحمدلله، التقیت بهذا الناصبی یعنی من خودم را ناصبی بکنم که او خوشش بیاید؟! ... ایشان می‌‌گوید ذکر علی نکنیم نه این‌که ذکر علی همراه با ذکر آن‌ها بکنیم. بعدش واقعا شیعه پایبند بود به این حرف؟ اصلا از ادله کذب این مطلب این است که شیعه هیچوقت ترک نکرد ذکر علی را. یعنی امام صادق بگویید ذکر علی نکنید بعد شیعه همیشه ذکر علی می‌‌کرده؟ دیگر اصحاب ائمه بودند بر فرض هم باشد این روایت تقیه‌ای است. زراره را که دیگر می‌‌شناسیم، اگر کسی زراره را نشناسد دیگر هیچ، زراره معلوم است چی بود، اصلا کافر می‌‌دانست مردم را غیر شیعه را، شرایطش مشخص است، ‌ازدواج نمی‌کرد می‌‌گفت من با این‌ها ازدواج نمی‌کنم، با همین جواری مشغول می‌‌شود، امام هم فرمود علیک بالبله، برو آن ابله‌هایشان را بگیر، روایت است.

و لذا به نظر ما این مطلب و لو برخی عرایض ما را قبول ندارند ما هم به نظرشان احترام می‌‌گذاریم و لکن برای ما کاملا واضح است و لذا احتیاط واجب این است که اکتفا نکنیم به نمازی که در بین عامه الان می‌‌خوانیم بدون تقیه خوفیه، ‌صرفا بخاطر تقیه مداراتیه و ترک می‌‌کنیم واجبی از واجبات را.

یک نکته هم عرض کنم بحث را تمام کنم وارد مسأله بعد بشویم:

آقای خوئی فرموده تقیه مداراتیه بر فرض مطلقا جایز باشد مقید دارد، مقیدش این است که التقیة فی کل شیء یضطر الیه ابن آدم فقد احله الله، روایت صحیحه است. این به نظر ما اشتباه شده، نگاه کنید محاسن برقی می‌‌گوید التقیة فی کل شیء و کل شیء یضطر الیه ابن آدم فقد احله الله، این سقط شده در روایات جای دیگر نقل شده التقیة فی کل شیء یضطر الیه ابن آدم فقد احله الله. وانگهی این فوقش مفهوم وصف است، اطلاق ندارد، معلوم می‌‌شود تقیه مداراتیه فی الجمله قیدش اضطرار است نه بالجمله، شاید مثل اکرم العالم العادل که فی الجمله می‌‌فهمیم قید وجوب اکرام عالم این است که عادل باشد اما بدیل ندارد عالم هاشمی واجب الاکرام نیست او را که نمی‌فهمیم، این روایت فوقش فی الجمله می‌‌فهماند اضطرار نقش دارد در تقیه اما سبب منحصر است برای تقیه؟ نه، ممکن است سبب دیگری داشته باشد تقیه مثل تقیه در نماز با این‌ها، آن دیگر مشروط به اضطرار نباشد. و لذا به این روایت نمی‌شود استدلال کرد برای تقیید در جواز تقیه مداراتیه.

و الحمد لله رب العالمین.

1. قال الزمخشري المعتزلي:

وإن يسألوا عن مذهبي لم أبح به \*\* وأكتمه، كتمانه ليَ أسلم

فإن حنفيا قلت قاوا بأنني \*\* أبيح الطلا وهو الشراب المُحَرَّم

وإن مالكيا قلت قالوا بأنني \*\* أبيح لهم لحم الكلاب، وهُمْ هُمُ

وإن شافعيا قلت قالوا بأنني \*\* أبيح نكاح البنت، والبنت تَحْرُمُ

وإن حنبليا قلت قالوا بأنني \*\* ثقيلٌ، حَلُولِيٌ، بَغِيْضٌ، مُجَسِّمُ

وإن قلت من أهل الحديث وحزبه \*\* يقولن تَيْسٌ، ليس يدري ويفهم

تعجبت من هذا الزمان وأهله \*\* فما أحد من ألسن الناس يسلم

وأخرني دهري وقدم معشرا \*\* على أنهم لا يعلمون وأعلم

ومذ أفلح الجهال أيقنت أنني \*\* أنا الميم والايام أفلح أعلم

اگر از مذهب من بپرسند من آن را اظهار نمی کنم، آن را پنهان می سازم که پنهان کردن آن به صلاح من است. اگر بگویم: حنفی مذهب هستم، می‌گویند: تو شرابی را به نام «طلا» حلال می دانی در حالی که شراب حرام است! اگر بگویم: شافعی هستم، می‌گویند: تو ازدواج با دختر را که از زنا متولد شده باشد، حلال می دانی! در حالی که ازدواج با دختر حرام است. اگر بگویم: مالکی مذهب هستم، می‌گویند: گوشت سگ را حلال می دانی! اگر بگویم: حنبلی مذهب هستم، می‌گویند: سنگین، حلولی، مبغوض و مجسم هستم! اگر بگویم: اخباری مسلک و از اهل حدیث هستم، می‌گویند: بز است، چیزی نمی داند و نمی فهمد! من از اهل زمان خود در شگفت مانده ام کسی از شر زبان مردم ایمن نمی ماند. زمانه مرا به عقب و گروهی را جلو انداخت، در حالی که آنها نادان و من دانا هستم. از روزی که جاهلان رستگار شدند (به مناصب دنیوی دست یافتند) یقین پیدا کردم که مثل من در این جامعه و روزگار، مثل «میم » در میان گروه «افلح» و «اعلم » است. [↑](#footnote-ref-1)